

# بهداشت زائران ایرانی در مسیرهای زمینی و دریایی با تکیه بر سفرنامه‌های حج در دوره قاجار

نرگس مزروعی سبدانی<sup>۱</sup> و سهیلا ترابی فارسانی<sup>۲</sup> و شکوه السادات اعرابی هاشمی<sup>۳</sup>

## چکیده

در دوره قاجار، به ویژه در دوره سلطنت ناصرالدین شاه، سفرنامه نویسی رونق فراوانی یافت. یکی از مهم‌ترین موضوع‌ها برای نگارش سفرنامه، سفر به خانه خدا بود. در این دوره بهداشت زائران در مسیر حج و پیشگیری از ابتلای آنان به بیماری‌ها بسیار ضرورت داشت. تلاش‌های فراوان در این زمینه در این مسیر طولانی توجه کافی به بهداشت و سلامتی عمومی نبود. این موضوع به افزایش خطر ابتلا به بیماری‌ها و انتشار عفونت‌های مختلف و حتی گاهی مرگ و میر زائران در مسیر حج منجر می‌شد. بنابراین سفر زائران با چالش‌های بسیاری روبه‌رو بود. نوشتار حاضر با استفاده از منابع سفرنامه‌ای و برخی نشریات، با روش تاریخی و توصیفی، بر آن است به موضوع بهداشت زائران ایرانی از راه

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران  
(nargesmizr61@gmail.com)

۲. دانشیار، گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. (نویسنده مسئول)  
(tfarsani@yahoo.com)

۳. استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران  
(shokouharabi@gmail.com)

دریایی و زمینی بپردازد. این بررسی نشان می‌دهد مشکل جدی زائران در سفر حج مسئله بهداشت و درمان بود. زائران بین راه و نیز در مکه و مدینه به امکانات بهداشتی و درمانی دسترسی کافی نداشتند و گاه به علت نبود دانش کافی یا پزشک و امکانات بهداشتی و نیز بی‌نظمی و رعایت نکردن بهداشت فردی به بیماری‌های عفونی و مزمن مبتلا می‌شدند و به همین علت بین راه جان خود را از دست می‌دادند یا تا سال‌ها گرفتار پیامدهای این بیماری‌ها می‌شدند.

**کلیدواژه‌ها:** بهداشت، زائران ایرانی، حج، زنان، مسیر، دریایی، خشکی، دوره قاجار.

### مقدمه

در طول تاریخ، به دلیل شرایط دشوار سفر حج، بهداشت و سلامت حجاج از جمله مسائل مهم بوده است. با توجه به مسیر طولانی و شرایط جوی نامناسب حجاز، تجمع زائران در یک مکان، شیوع بیماری‌های واگیردار، ضعف امکانات بهداشتی و افزایش مرگ‌ومیر ناشی از آن سلامت حجاج یکی از دغدغه‌های مهم کشور در دوره قاجار بود. حجاج از آنجا که بخش عمده‌ای از سفرشان را در مسیر سپری می‌کردند و متحمل سختی و خستگی می‌شدند، مستعد بیماری‌های گوناگون می‌شدند. از این رو مسائل بهداشتی از چالش‌های بزرگ زائران به شمار می‌رفت. بنابراین در سفرنامه‌ها بارها به مشکلات بهداشتی حجاج اشاره شده است.

ایرانی‌ها در دوره قاجار برای رفتن به حج می‌توانستند یکی از این چهار مسیر را انتخاب کنند: مسیر دریایی از جنوب ایران به جده، راه جبل، راه شام و راه استانبول به جده. انتخاب مسیر چندان ساده نبود. عبور از هر کدام از این مسیرها تأثیرات خاصی بر روی مسافران داشت. بیشتر مطالب مسافران راه دریایی و زمینی

به نبود امکانات بهداشتی، ناامنی، راهزنی، بی‌آبی، گرما، کمبود آب و آلوده بودن آن و اخذ وجه در قبال آبی که در برخی مناطق در اختیار زائران قرار داده می‌شد بود که نشان می‌دهد این مشکلات نمود بیشتری از سایر مسائل داشته است.

این نوشتار می‌کوشد پاسخی برای پرسش زیریابد:

زائران ایرانی در طول سفر حج با چه مشکلات بهداشتی‌ای روبه‌رو بودند؟

پاسخ به این پرسش می‌تواند در آشکار شدن قسمت‌های نادیده‌انگاشته شده تاریخ پزشکی اسلام و تحولات تاریخ حج معاصر نقشی مؤثر ایفا کند. این موضوعی است که بیشتر منابع تاریخی باقی‌مانده از آن روزگار به آن اشاره‌ای نکرده‌اند. البته در مجموعه ده جلدی سفرنامه‌های حج قاجاری متن هشتاد سفرنامه حج از مردان و زنان قاجاری به کوشش رسول جعفریان گردآوری شده و انتشارات علم آن را منتشر کرده است. مقاله‌ها و پایان‌نامه‌هایی هم درباره سفرنامه‌های حج نوشته شده است؛ با این همه گفته می‌شود هنوز در آغاز راه بررسی تاریخ و جامعه و فرهنگ ایرانی از دریچه نگاه زنان و مردان سفرنامه نویس ایستاده‌ایم. در میان پژوهش‌ها در این موضوع می‌توان به مقاله «وضعیت بهداشت و درمان حجاج در دوره‌های قاجار و پهلوی» از علی‌اکبر زاور اشاره کرد که به صورت پراکنده به موضوع بهداشت زائران حج و عتبات عالیات اشاره کرده است. مقاله دیگر «بررسی وضعیت بهداشت و سلامت حجاج در عصر قاجار: شناخت آسیب‌ها، تبیین راهکارها» است که بیشتر راهکارهایی برای حفظ سلامت حجاج از سوی اولیای امور داده است. وجه تمایز پژوهش حاضر با تحقیقات یادشده این است که در این پژوهش کوشیده‌ایم به عواملی که سلامت حجاج در مسیر حج در عصر قاجار را دچار مخاطره می‌کند، بپردازیم.

در این نوشتار وضعیت بهداشت زائران ایرانی از مسیر دریایی و زمینی را بررسی، و سپس به وضعیت بهداشت زنان زائر پرداخته ایم. زائران در مسیر طولانی سفر با مشکلات بسیاری روبه‌رو بودند که بیشتر آنان در سفرنامه‌هایشان به این موضوع اشاره کردند؛ از جمله از نظر بهداشتی و حفظ سلامت شرایط مناسبی نداشتند و از این رو بسیاری از آنها در طول مسیر به بیماری‌های مختلفی مبتلا می‌شدند؛ اما سختی‌های این سفر برای زنان بیشتر بود؛ چنان‌که نکته بارز سفرنامه‌های زنان توجه آنان به نظافت و شکایت آنان از نبود امکانات بهداشتی است.

### ۱. وضعیت بهداشت زائران ایرانی از راه دریایی

مسیر دریا یکی از راه‌هایی بود که زائران برای زیارت انتخاب می‌کردند. حجاج ایرانی برای رسیدن به حجاز و مکه از راه‌های دریایی از دو مسیر استفاده می‌کردند: یک مسیر از بنادر جنوبی ایران از جمله بندر بصره، بندر عباس، بندر لنگه و بندر بوشهر بود. مسیر کشتی از خلیج فارس به سمت دریای عمان و اقیانوس هند بود و زائران پس از یک روز توقف در بمبئی به سمت بندر جدّه حرکت می‌کردند. مسیر دریایی دیگر از سمت شمال ایران و معمولاً از سمت بندر انزلی به سوی بادکوبه، تفلیس، باتوم و سپس استانبول بود. مسیر رفتن از استانبول به سمت جدّه یا ینبع با توجه به کشتی و مسیر آن متفاوت بود. زمانی که حجاج به استانبول می‌رسیدند هم می‌توانستند چند روز آنجا توقف کنند و سپس مستقیم با کشتی به دریای سرخ و بندر ینبع یا جدّه وارد شوند و هم می‌توانستند به مصر بروند و از شهرهای اسکندریه، قاهره و پرت سعید و حتی بیروت دیدن کنند. همچنین با توجه به مشکلات سفر با کشتی از جمله شرایط نامناسب جوی، گم کردن مسیر توسط ناخدا، به‌گِل نشستن کشتی و کمبود سوخت مدت زمان سفر متفاوت بود. زائرانی

که برای اولین بار در کشتی می نشستند، آن هم برای طی این راه طولانی، به سختی دشواری های این مسیر را تحمل می کردند. کشتی ها معمولاً در همه ایام سال کار می کردند، ولی در فصل حج به طور فشرده بیشتر در خدمت حجاج بودند. به طور کلی این وسیله برای حجاج جای خوابیدن، عبادت کردن، احرام پوشیدن، میقات، کنترل تذکره، انتظار قرنطینه، خرید و فروش، تهیه آب و غذای مورد نیاز و همه اموری بود که می بایست در خشکی انجام می شد. مشکلات بهداشتی زائران را می توان به بهداشت آب و بهداشت محیط و هوا تقسیم کرد:

#### الف) بهداشت آب در راه های دریایی

حجاج به دلیل کمبود آب و کثیف بودن کشتی قادر نبودند غسل پیش از احرام را به جا آورند. بنابراین قبل از مُحْرِم شدن وارد مکه می شدند و از آنجا دوباره به یلملم می رفتند و محرم می شدند و به مکه بازمی گشتند. این امر موجب اتلاف پول و وقت حجاج می شد. عبدالرحیم بادکوبه ای<sup>۱</sup> - که در سال ۱۲۶۴ قمری به حج رفت و از روحانیان زمان خود بود - درباره کمبود آب در کشتی نوشته است که آب شیرین برای مسافران برای شرب و وضو و پخت کافی نیست (بادکوبه ای، ۱۳۹۲، ص ۲۷۲). کمبود آب در کشتی باعث می شد بسیاری از سفرنامه نویسان به آن اشاره کنند: «از جهت آب هم به مردم سخت است. از کثرت طمع، جمعیت را زیاد کرده، آب کفایت نمی دهد» (عصمت السلطنه، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۳۸۶؛ طباطبایی دیبا، ۱۳۹۰، ص ۷۵۲).

۱. عبدالرحیم بادکوبه ای از اصفهان به تبریز، و با گذر از شهرهای ارنزجان، ملاطیه و انطاب به سوی حلب سفر کرد و سپس به دمشق رفت. آن گاه همراه کاروان شام راهی مدینه و مکه شد. وی مسیر بازگشت را دریایی انتخاب کرد و از راه جده با گذر از باب المندب به سوی دریای عرب و سپس مسقط آمد و آن گاه وارد دریای عمان و سپس خلیج فارس، و از راه شیراز عازم اصفهان شد.

ناصرالسلطنه<sup>۱</sup> - که در سال ۱۳۱۷ قمری از راه دریا به حج مشرف شده بود - در شرح خاطرات خود می‌نویسد:

آب کشتی هم تمام شد. فریاد حاجی‌ها روی آب از تشنگی بلند شد و از آن طرف به اندازه‌ای این کشتی را کثیف و متعفن کردند که من از شدت تنفر به همان اتاق کوچک خود قناعت کرده، پا بیرون نگذاشتم... روز جمعه قایق آورده، این جماعت را بیرون بردند. بعد از بیرون شدن به عرشه کشتی رفتم. تمام صندلی و اطراف کشتی آب دهان و دماغ چسبیده، سطح کشتی پر از نجاست... با اینکه دو روز از دریا آب کشیده، کشتی را شستند، باز انسانی رغبت نمی‌کرد روی صندلی و نیمکت‌ها بنشینند» (طباطبایی دیبا، ۱۳۹۰، ص ۱۸۳).

بروجردی<sup>۲</sup> بارها در خاطرات سفرش درباره کمبود آب در کشتی نوشته است. وی دریکی از این خاطرات، که مربوط به مسیر جده به سمت مسقط است، می‌نویسد: «مقارن غروب مقابل عصیده، که از ولایات وسیع حضرموت است، شدیم و گذشتیم؛ چون آب در بغله نایاب و دل‌ها از آن جهت کباب، به امید آنکه شاید به جایی رسیم و کام خشک را ترسازیم و به شکر خدا پردازیم» (بروجردی،

۱ ناصرالسلطنه طباطبایی دیبا در سال ۱۳۱۷ قمری سفرنامه ناصری را نوشته است. او از کارگزاران دولت قاجاری و وزیر خالصه جات و زراعت مظفرالدین شاه بود که در ۳۷ سالگی عزیمت حج کرد و این سفرنامه را نگاشت. وی در سفرنامه مکه خود از پیاده شدن در بندر ینیع تا سوار شدن به کشتی در جده را می‌نویسد.

۲. محمدعلی بن میرزا رضا بروجردی در سال ۱۲۶۱ قمری برای زیارت خانه خدا به حج رفت و سفرنامه بزم غریب را نوشت. بخشی از سفر او دریایی، و از طریق خلیج فارس، دریای عمان، اقیانوس هند و دریای سرخ بود. نویسنده با نثری مسجع و زیبا آگاهی‌هایی از وضعیت مذهبی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی مناطق ساحلی مسیر سفر خود و مکه و مدینه به دست داده است.

### ب) بهداشت محیط در راه‌های دریایی

زائران در سفر دریایی به علت کمبود جا و هوای مناسب با مشکلاتی روبه‌رو می‌شدند؛ چنان‌که محمدعلی بن میرزا رضا بروجردی، که در سال ۱۲۶۱ قمری به حج مشرف شد، از مسیر حرکت با کشتی چنین می‌گوید: «جمعیت زیاد در کشتی موجب تنگی جا و عفونت هوا و منازعه و دعواست» (همان، ص ۲۲).

این کمبود جا و کثیفی کشتی باعث بیماری‌هایی می‌شد؛ چنان‌که یعقوب میرزا میرزاده تبریزی - که در سال ۱۲۸۵ قمری به مکه عزیمت کرد - درباره حالت تهوع و استفراغ در کشتی در مسیر روسیه به سمت استانبول می‌نویسد:

تا وارد شدن دریا احوال‌ها دیگرگون کرده، من در خود ملاحظه سرگیجی کرده، کاغذ و قلمدان را بر جیب نگذاشته بودم که کم مانده بود بی حال شوم... در میان براقوت افتاده، بی حال شدم و احوال همه اهل براقوت دیگرگون شده، به احوالی افتادند که چگونه احوالی بوده که خداوند بر هیچ کافر و مرتدی نصیب نکند. مثال باد خزان که برگ ریزان ورزد، چگونه به روی هم می‌ریزد، همان طور آدم‌ها بر روی هم ریخته، مثال ناخوشی وبا، مشغول قی کردن شدند که از صدای قی گوش فُک کر شده که مسلمان و ارمنی و یهودی روی هم افتاده، بر سر همدیگر قی می‌کردند (منصور تبریزی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۲).

وی درباره سرویس بهداشتی کشتی نیز چنین می‌نویسد:

چون از طلوع صبح که برمی‌خاستیم تا به غروب و بلکه تا نصف شب در برابرِ خلا از ده نفر کمتر نبودند. چون زنبوران بردور خانه خودشان می‌گردیدند در دست آفتابه، منتظر این بودند آن‌که اندرون است بیرون آمده، دیگری داخل شود. پاره‌ای مشت بر سر همدیگر می‌زدند که این دفعه نوبت من

است. دیگری می‌گفت: خیر، سه ساعت است که من در اینجا ایستاده‌ام، هیچ‌کس را نخواهم گذاشت. خلاصه - چه در سرتاسر - از طلوع تا غروب مرفعه بیت الخلا و کتک بسیار در میان ایشان بود و اما خلایی بود زیاد پاک که چندان بویی نداشت که آدم را اذیت کند (همان).

رئیس‌الذکرین،<sup>۱</sup> که در سال ۱۳۰۹ قمری با کشتی عازم حج شده بود، می‌گوید نزدیک به دو هزار نفر در کشتی بودند؛ در حالی که کشتی فقط دو عدد سرویس بهداشتی داشت و صف طولانی بود و فردی یک ساعت معطل می‌شد (رئیس‌الذکرین، ۱۳۸۹، ج ۷، ص ۳۴۳). سیدفخرالدین جزایری،<sup>۲</sup> که در سال ۱۳۴۰ قمری از راه دریا به حج مشرف شده بود، در شرح خاطرات خود می‌نویسد:

جای معینی نداشتیم. محل مشخصی نبود. زن و مرد روی هم می‌ریختند به کثافات مبال [توالت] و غیرآمیخته. تعفن خود کشتی یک طرف، عفونت و گرمی هوای یک طرف، نبودن پرده و چادر برای رفع آفتاب یک طرف. مبال‌ها را طوری ساخته بودند که کثافات و نجاسات روبه روی مردم می‌ریخت» (جزایری، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۲۲۰).

مسافران کشتی، بر اساس عادت‌های مألوف خود در طهارت، در کشتی نیز انتظار استانداردهای همیشگی را داشتند که امکان پذیر نبود. میرزاده تبریزی درباره نجس بودن کشتی هم چنین نوشت:

۱. رئیس‌الذکرین روحانی اهل مشهد در سال ۱۳۱۹ قمری در عتبات عالیات حضور یافت و سفرنامه حج را به تحریر درآورد. او مسیر تفلیس تا باطوم را با قطاری کرد و از وجود سه تونل در این مسیر گزارش داد.

۲. جزایری از علمای تهران بود. او در ۳۵ سالگی به حج رفت و در سال ۱۳۹۴ قمری فوت کرد. مسیری که او از ایران به عتبات، و از آنجا به بصره، و سپس از بصره با کشتی به سمت خلیج فارس و دریای عمان و عرب، و در نهایت به دریای سرخ و جده بود.



احوال زیاد دیگرگون بود. طاقت حرکت نداشتم. همان طور درازکشیده بر احوال قی‌کنندگان تماشا می‌کردم. گاهی بر احوالشان خنده و گاه ناله می‌کردم و لعنت زیاد بر آن کسان می‌کردم که به عزم مکه از این راه بیایند و بروند؛ چراکه زحمت زیاد و تلف شدن مال و جان هست و علاوه بر اینها نجس اندر نجس خواهد شد. اگر کسی گوید در باب نجس نشدن که من چنان خودداری می‌کنم که نجس نشوم، اینها نخواهد شد. شما را به خدا در این حالت قی کسی می‌تواند که خودداری کند؟ بشنو و باور مکن که ما بر این دام افتادیم (منصور تبریزی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۳).

در محل استقرار افراد در کشتی نیز جمعیت مسافران زیاد و فضا کم بود که خود به معضلات دیگری منجر می‌شد. منشی زاده،<sup>۱</sup> که با کشتی سفر کرده بود، می‌گوید سعی داشت جای مناسبی برای زنان پیدا کند، ولی موفق نشد. فراهانی<sup>۲</sup> نیز در سفرنامه خود به این موضوع اشاره کرده است:

سیاری از حجاج بدبخت را در وسعت خیلی از انبارها و سطح کشتی چه شرح دهم از سختی که بر آن جماعت بیچاره گذشت. جمعی کثیر به سبب عفونت هوای انبارها و عدم امکان تدبیر در دوا و غذا مریض شدند و بعضی مردند. در آب دریا و شکم ماهی مدفون شدند» (قاضی عسکر، ۱۳۷۹، ص ۱۷۴).

۱. محمدحسین منشی‌زاده سفرش را در ۲۶ رمضان ۱۳۳۹ از یزد آغاز کرد. این سفرنامه به دلیل تنوع مسیرهای طی شده جالب توجه است؛ زیرا افزون بر بخشی که مربوط به جده، مکه و مدینه است بخش‌هایی به شهرهای داخلی ایران و نیز بخش درخور توجهی به هند اختصاص دارد. نگارش او در کل اثر به شیوه شرح جزئیات کنار برخی مسائل شخصی است و این ترکیب متنی پراز اطلاعات را پدید آورده است.

۲. محمدحسین فراهانی در سال ۱۳۰۲ قمری به سفر عتبات عالیات رفت و سفرنامه مکه را نگاشت. انگیزه مؤلف از نگارش این کتاب امتثال فرمان سلطانی بوده که وی را به شرح وقایع و مشاهدات و شنیده‌ها طی سفرنامه‌ای مأمور کرده است.

با توجه به نبود ابزارهای پیشرفته امروزی برای پیش بینی وضعیت آب و هوا و شرایط جوی، اغلب سفرها بدون در نظر گرفتن شرایط جوی بود و ممکن بود خطرات جدی برای مسافران دریایی پیش آید؛ از جمله وزش باد شدید و تلاطم دریا و موج‌های بلند باعث می‌شد کشتی به طرز مهیبی تکان بخورد و مسافران را به شدت بترساند و مضطرب کند: «باز باد شمالی وزیدن گرفت. افواج امواج به حرکت آمده، به کشتی ریزان، و حجاج از رجال و نسوان وداع جان نمودند» (بروجردی، ۱۳۷۶، ص ۲۲).

یکی از مشکلات انتخاب مسیر دریایی دریازدگی بود که بیشتر افراد داخل کشتی را دچار قی و سردرد می‌کرد (افشار، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۴۹۹). از دیگر مشکلات بهداشتی در طول مسی‌رابتلا به بیماری‌ها و سرایت آنها بود؛ مثلاً با وضو گرفتن از برکه‌های بزرگ و روباز بیماری و با سرایت می‌یافت (دوغان، ۱۳۹۷، ص ۶۱۰).

### ج) بیماری و قرنطینه در راه‌های دریایی

نبود امکانات اولیه، به خصوص نبود آب آشامیدنی سالم و بهداشتی، و تداخل حجاج کشورهای مختلف اسلامی در یک موقعیت زمانی و مکانی محدود از عوامل مهمی بود که شرایط لازم را برای شیوع بیماری‌های مسری در مکه و مدینه فراهم می‌آورد و مرگ و میر جمع کثیری از حجاج را در پی داشت؛ به طوری که جزایری در سفرنامه خود نوشته است:

اغلب مسافری‌ن تنشان دانه‌های قرمز بیرون زد. در حدود مغرب یک نفر مسافر تُرک دیگر زندگی را وداع گفت و جنازه اش طعمه حیوانات بحری گردید. شب را به مناسبت لیلۀ جمعه و انقلاب شدید دریا، غالب مسافرین اشتغال به تضرع و زاری و توسل به ائمه اطهار داشتند... غالباً مبتلا به اسهال و استفراغ شدند. سه نفر هم فوت کردند که جنازه آنها پس از تغسیل

به دریا انداخته شد» (جزایری، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۶۳۰).  
 از دیگر مشکلات بهداشتی بقایای لاشه‌های قربانی و خوردن گوشت فاسد بود که یکی از علل بروز بیماری بود (حاجب‌الدوله، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۷۴۳).  
 با وجود این تنها مسیرهایی که از نظر بهداشتی و جلوگیری از انتقال بیماری‌های مسری تا حدی کنترل می‌شد، همین راه‌های دریایی بود. در این مسیرها، قرنطینه‌های مخصوصی وجود داشت که حجاج را از کشتی پیاده، و لباس‌های آنان را در آن ضد عفونی می‌کردند. البته بعضی کشتی‌ها پزشک داشتند و افزون بر آن در مسیر دریایی حجاج در محل قرنطینه‌ها نیز اطبایی بودند که حجاج را از نظر داشتن بیماری‌های مسری بررسی می‌کردند تا از همه‌گیر شدن این بیماری‌ها جلوگیری کنند (آقاملک، ۱۳۹۲، ص ۹۵۸). پزشک قرنطینه داخل کشتی می‌رفت و اگر مریضی میان مسافران نبود، اجازه حرکت کشتی را صادر می‌کرد. گاهی پزشک، با وجود ناخوشی مسافران، حق السکوتی می‌گرفت و نامه سلامت مسافران را می‌نوشت (فراهانی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۲۶۲). گاهی هم «در این بین هر کس که ناخوش می‌شد نمی‌گذاشتند طبیب کشتی ملتفت بشود و اگر ملتفت می‌شد، ولو جزئی کسالت بود، فوری می‌آمد دوی سبزی در شیشه داشت، خواهی نخواهی در حلقومش می‌ریخت. خوردن همان و مردن همان بود. فوری مقابل چشم حجاج بدن او را به زیر منبع آب شور - که اتفاقاً محاذای منزل ما بود - می‌آوردند و فی‌الجمله سگ شوری می‌کردند و سنگی به پای او بسته، طناب می‌بستند و سرازیر دریا می‌کردند» (جزایری، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۱۹۵).

بدترین وضعیت آن بود که مسافران را جمعی و در حالی که فقط با یک لنگ سترعورت می‌کردند در یک صف از برابر پزشک عبور می‌دادند. لباس‌ها و وسایل آنان را نیز داخل صندوق بزرگی می‌گذاشتند و درون ماشین بخار می‌ریختند تا

کاملاً ضد عفونی شود. سپس آنان را روزهای متوالی، حداکثر شده یا دوازده روز، نگاه می‌داشتند و در نهایت اجازه سوار شدن بر عرشه کشتی و حرکت می‌دادند (ناشناس، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۷۳۹).

تکابی<sup>۱</sup> - از خان‌های کرد منطقه تکاب که در سال ۱۳۱۰ قمری به حج عزیمت کرد - درباره طولانی شدن زمان قرنطینه در مسیر دریا چنین می‌نویسد:

وعده کرانتین با همان شش روزه توقف دریا ۲۶ روز طول کشید. روزها طیب و مأمور با چند نفر قراول آمده، هر کس ناخوش بود کشان‌کشان از چادر کشیده، خسته خانه می‌برند... شب‌ها هم قراول به ملاحظه اینکه مبادا حجاج از کرانتین بگریزند به ردیف الی صبح ایستاده، کشیک می‌کشیدند» (تکابی، ۱۳۸۸، ص ۷۲).

## ۲. وضعیت بهداشت زائران ایرانی از راه زمینی

راه‌های خشکی که حجاج از آن عبور می‌کردند دو مسیر بود: یکی راه جبل که حجاج از این مسیر به سمت عراق و سپس جزیره العرب حرکت می‌کردند و این مسیر را به سمت مکه ادامه می‌دادند و دیگری راه شام که در این مسیر حجاج به سمت حلب و شام و سپس مدینه می‌رفتند. همچنین این مسیر می‌توانست از

۱. سلیم خان باید پیش از سال ۱۳۲۶ قمری درگذشته باشد؛ زیرا روی نسخه‌ای که در سال مزبور به دستور برادر و هم سفر سلیم خان نوشته شده آمده است: «حج‌نامه مرحوم حاج سلیم خان که انشا فرموده». در این کتاب، جدا از اطلاعات سفرنامه‌ای که صورتی از سیاحت نامه دارد، می‌توان فهرستی از احکام و مناسک حج و همین‌طور ادعیه و آداب زیارت را به روش اهل سنت ملاحظه کرد. بنابراین نویسنده دو هدف را دنبال می‌کند: سیاحتی و زیارتی. عبارت خود وی چنین است: «چون تحریر بعضی از ادعیه مناسک حج، که معمول است، با وقایع راه و سیاحت بلدان به جهت تفریح ناظران مناسب دانسته، به طور اختصار در این اوراق حج‌نامه درج کرده، ان شاء الله هر یک در مقام خود ذکر خواهد شد.»

طریق تبریز به عثمانی و از آنجا به سمت جنوب ترکیه باشد و دیگر از راه بغداد به سمت شمال عراق و حاشیه فرات و سمت سوریه باشد.

در برخی سفرنامه‌ها گفته شده است وضع بهداشت و امکان حفظ سلامت حجاج در راه‌های زمینی به مراتب نامساعدتر و سخت‌تر از مسیرهای دریایی بود؛ چنان‌که در گزارشی از وزیروظایف<sup>۱</sup> که در ۱۳۲۲ قمری آمده است:

اگر بیچاره‌ای، چه از حاج و چه از جمال و غیره، تبی کرد یا چند دست اسهال کرد، همین قدر که فی‌الجمله سستی کرد و نتوانست خود را روی شتر نگاه دارد یا پیاده نرود، او را بر شتر بیندند. خود حرکت شتر و عدم توجه و آفتاب بیچاره را از حال می‌برد. عکام باشی می‌رسد و می‌گوید: «خلاص خلاص»؛ یعنی مرد معلوم نیست که مرده یا زنده است. نیزه‌ها را می‌کشند و حفره‌ای به عمق دو وجب در وسط راه کنده، او را با همان لباس بدون غسل و کفن مثنی خاک بر رویش می‌ریزند. واقعاً سلامت و زنده برگشتن حاجی خیلی مشکل است. خداوند باید محافظت کند (وزیر وظایف، ۱۳۷۹، ص ۱۷۲).

نویسنده ناشناس<sup>۲</sup> رساله تیراجل در صدمات راه جبل به صورتی جامع و

۱. سفرنامه میرزاداوود وزیروظایف، به شرح جریان سفر حج مؤلف می‌پردازد. زمان آغاز نگارش این سفرنامه ۱۳۲۲ قمری است.

۲. رساله تیراجل در صدمات راه جبل گزارش سفر حج و مشکلات راه جبل از نویسنده‌ای ناشناخته است. نویسنده این رساله در سفر حج سال ۱۲۹۹ قمری در عهد ناصرالدین شاه قاجار دشواری‌های حج‌گزاران - به ویژه حاجیان ایرانی در راه جبل - را شرح داده و برای رفع آنها پیشنهادها و اصلاحی عرضه کرده است. در این اثر برخی رخدادهای سفر تنها در جایگاه شاهدی بر مدعی نویسنده گزارش شده‌اند و در معرفی مکه و مدینه و آثار تاریخی و مذهبی آنها گزارشی ثبت نشده است. این نوشته بدین لحاظ با سفرنامه‌های حج متفاوت است.

مفصل درباره وضعیت حجاج دوره قاجار، که از راه زمینی عراق جبل<sup>۱</sup> به حج مشرف می‌شدند، چنین نوشته است:

الهی تورا قسم می‌دهم به مظلومی حاجیان مریضی که در وقت بار کردن در آن صحرای خونخوار تنها گذاشتند و حاجیان نیمه جانی که از روی شترش انداختند و حاجیان مرده که تمام مالش را بردند و از زمینش برنداشتند (ناشناس، ۱۳۸۹ الف، ج ۴، ص ۶۹۸).

### الف) بهداشت آب در راه‌های زمینی

میرزا حسن موسوی<sup>۲</sup>، از عالمان و سادات اصفهان که در سال ۱۳۱۵ قمری به حج مشرف شد، درباره کثیفی آب در راه خشکی چنین نوشته است: «آب آوردند. آب پرپیشکل و کثافتی بود. صاف کردند با پارچه و در مشک دیگر کردند. رنگش زرد بود» (موسوی اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۳). ناصرالسلطنه در سفرنامه حج خود در ۱۳۱۷ قمری در توصیف آب‌های آشامیدنی حجاز می‌نویسد: «اغلب ناخوشی از این آب‌های باران و چاه است که پراز کرم و میکروب است. در این روزگار، نبود امکانات اولیه و به خصوص نبود آب آشامیدنی سالم و بهداشتی از عوامل مهم شیوع بیماری‌ها بوده است. تداخل حجاج کشورهای مختلف اسلامی دور و نزدیک در یک موقعیت زمانی و مکانی محدود نیز از عوامل مهمی بوده است که

۱. راه جبل راهی است که حجاج ایران از طریق عراق به سوی جزیره العرب حرکت می‌کردند و این مسیر را به سمت مکه ادامه می‌دادند. این راه سبب نزدیکی به وطن، امکان زیارت عتبات و صرفه اقتصادی در تاریخ حج ایرانیان پرتددترین راه بوده است.

۲. سفرنامه سید حسن موسوی اصفهانی به خط خود وی نگاشته شده است. این سفر از ۴ جمادی الثانی ۱۳۱۵ آغاز شد و ۱ جمادی الثانی ۱۳۱۶ به پایان رسید. او در این سفر حدود ۱۵۰ منزل را با چهارپای مسافرت کرد و در هر منزل قدری توقف داشت. این کتاب سفرنامه‌ای ادبی، تاریخی و اخلاقی است.

شرایط لازم را برای شیوع بیماری های مهلک کشنده ای چون وبا، طاعون، آبله و سایر بیماری های مسری در شهرهای مکه، مدینه و مشاعر مقدسه فراهم می آورده و در نتیجه مرگ و میر جمع کثیری از حجاج را به همراه داشته است (طباطبایی دیا، ۱۳۹۰، ص ۲۰۳). بسیاری از شتران بر اثر بیماری مسری وبا دهنشان کف می کردند و می مردند (ناشناس، ۱۳۸۹، ج ۴، ۷۹۱).

در بیشتر سفرنامه های به جای مانده از آن دوران به کمبود آب و مسئله استحمام و کثیفی و کمبود توالت در مسیر خشکی اشاره شده است.

محدث قمی<sup>۱</sup> که در سال ۱۳۱۸ قمری از نجف اشرف به حج مشرف شد، در نامه ای خطاب به برادرش، شیخ مرتضی، درباره اوضاع و احوال خود نوشته است:

الآن چهل روز است که در این شهر جده گرفتاریم... نه آبی... نه درختی... نه بهاری. روزی نیم قران پول آب می دهیم، نمی شود خورد. از حشرات و چرک لباس نزدیک است بمیریم. نه می میریم که جانمان خلاص شود، نه به یک آب و هوای خوبی می رسیم که لااقل چشممان باز شود. چه بگویم (مختاری، ۱۳۸۰، ص ۱۶۶).

یعقوب میرزا امیرزاده تبریزی درباره بی آبی طی مسیر خشکی چنین نوشته است: «جارچی جاری کشیده که فردا یوم چهارشنبه دوازدهم شهر حال است. بعد از ظهر کوچ است و هجده ساعت راه داریم و در این هجده ساعت راه آب هم نیست» (منصور تبریزی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۶).

۱. محدث قمی چهار مرتبه به حج رفت. سفر اول حج او سال ۱۳۱۸ قمری بود. به طور دقیق روشن نیست که او از چه راهی به مکه سفر کرده، ولی نحوه بازگشت خود از این سفر را توضیح داده و گفته که در جده به مدت چهل روز منتظر کشتی بوده است.

کمبود یا نبود آب شرب از مشکلات عمده زائران بود؛ برای نمونه افشار ارومی، از ایل افشار و از صاحب منصبان نظامی، درباره کمبود آب در مسیر خشکی چنین نوشته است:

امشب در میان حاجی‌ها تنگی آب شد. اکثری از مردم نماز را تیمم نمودند.... بسیار کم از حاجی‌ها توانست که طبعی نماید. باقی از قلت آب، طبخ کردن ممکن نشد. حمله دارها شتر و آدم فرستادند که از خضرا قدری آب به حاجی‌ها برسانند. یک ساعت از شب گذشته آب آوردند و میان حاجی‌ها قسمت نمودند. چادری یک آفتابه دو آفتابه رسید. همین قدر شد کفایت خوردن را بکند. در حقیقت هر کس از راه جبل خیال رفتن مکه را نماید گویا با خون خود بازی می‌کند (افشار ارومی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۶۰۹).

از دیگر مشکلات حاجیان مراعات نکردن نظافت، به خصوص در اماکن مقدسه حرمین شریفین، بود. کمبود آب برای استحمام در اقامتگاه حجاج و کمبود سرویس‌های بهداشتی در اماکن مقدسه و اطراف آن اوضاع بهداشتی آنجا را بسیار نامناسب می‌کرد. حمام‌ها به قدری کثیف بود که با هر بار استحمام حجاج نجس ترمی شدند (طباطبایی دیبا، ۱۳۹۲، ص ۶۷۹). حجاج در طول مسیر به شوق زیارت خانه خدا تمام رنج‌ها و مصیبت‌ها را تحمل می‌کردند، ولی با تمام شدن آذوقه و نبود امکانات کافی توان خود را از دست می‌دادند و دچار دردسر می‌شدند (افشار ارومی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۶۰۶).

حجاج طی سفر حج می‌بایست در منازلی برای مصرف سه - چهار روز خود آب برمی‌داشتند؛ در صورتی که چاه‌های آب زیاد نبود و حمله‌داران هریک چاهی را تصرف می‌کردند و حاجی بیچاره به ذلت تمام گاهی از آبی که در چاه جمع می‌شد برمی‌داشت و گاهی آن را به قیمت گزاف می‌خرید و گاهی به جهت



نوشیدن آب فحش‌ها می‌شنید (ناشناس، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۷۱۹). محمدولی میرزا قاجار،<sup>۱</sup> فرزند فتحعلی شاه، دره ۱۲۶ قمری سال در سفرنامه مکه درباره قیمت آب در مسیر خشکی چنین نوشت: «روزی‌کشنبه از خاک جبل درآمدیم، داخل خاک حجاز شدیم... یک چنگ آب را دو هزار خریدیم» (قاجار، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۰۳).

درباره بی‌عدالتی در تقسیم آب در مسیر خشکی چنین آمده است:

در منازلی که باید آب به جهت سه روز یا چهار روز برداشت و چاه‌ها زیاد نیست، حمله دارها - به قدرت اعوان - هر یک چاهی را تصرف می‌نمایند و به غیر از حاجی خود و شترش احدی را نمی‌گذارند آب بردارد. حاجی‌های بیچاره که در حملی نیستند به ذلت تمام گاهی از آب، که در لب چاه جمع می‌شود، برمی‌دارند و گاهی به قیمت گزاف می‌خرند و گاهی فحش‌ها می‌شنوند به جهت جرعه‌ای آب و اگر چاه‌ها مختلف باشد، آن‌که صاف و شیرین است آدم‌های امیرحاج تصرف می‌نمایند و شربتی به حاج نمی‌دهند و میزان بی‌عدالتی از برای تقسیم آب نیست که ضعفای حاج آسوده باشند (ناشناس، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۷۱۸).

به دلیل نبود امکانات کافی، حمام هم در میانه راه وجود نداشت (ناشناس، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۷۹۱). حسام السلطنه،<sup>۲</sup> فرزند عباس میرزا، از شخصیت‌های برجسته قاجاری، سفرنامه مکه را در سال ۱۲۹۷ قمری نوشت. او درباره نبود

۱. محمدولی میرزا در سال ۱۲۶۰ قمری به حج رفته. او خود را شاهزاده خوانده است.

۲. حسام السلطنه، فرزند عباس میرزا، از شخصیت‌های برجسته قاجاری است که تا پایان عمر در مناصب متعدد و حکمرانی ایالات مختلف بود. او در سال ۱۲۹۷ قمری به حج رفت و میرزا رضا منشی - که ملازم رکاب حسام السلطنه بود - هر روز بر حسب آنچه شاهزاده تقریر می‌کرد. مطالبی می‌نوشت. او با کشتی از انزلی به سمت استانبول، و سپس جدو رفت. در مسیر برگشت، با کشتی به اسکندریه، و از آنجا به استانبول رفت و با کشتی به روسیه و سپس ایران آمد.

حمام در مسیر خشکی نوشت: «امروز در میان چادر آب حاضر کرده، تنظیف بدن به عمل آمد» (طباطبایی دیبا، ۱۳۸۹، ج ۴: ۴۷). همچنین در تمام مسیرها دره و خار مغیلان بود و هیچ دسترسی به آب شیرین وجود نداشت و حاجیان از آب باران جمع شده در چاه‌ها استفاده می‌کردند (ناشناس، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۷۹۱). در برخی راه‌ها آب اندکی وجود داشت که سبب اذیت و آزار کاروان می‌شد. حجاج به جهت برداشتن آب در میان راه معطل می‌شدند و جمالان، به واسطه گم کردن راه، حجاج را بلا تکلیف می‌گذاشتند. جمالان همچنین در میان راه حجاج را به زحمت می‌انداختند و مشکلات فراوانی برای آنها ایجاد کردند (عصمت السلطنه، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۳۷۴).

#### ب) بهداشت محیط در راه‌های زمینی

حجاج راه جبل، که از مکه و مدینه حرکت می‌کردند، راه خود را بدون توقف می‌پیمودند و به نجف می‌رفتند و در آنجا کنترل می‌شدند. دولت عثمانی برای جلوگیری از بیماری‌های تداومی اتخاذ کرد که ساخت بیمارستان در نجف و همچنین متوقف کردن اعزام اهالی و زائران به سوی عتبات عالیات تا برقراری اطمینان خاطر از آلوده نبودن راه‌ها از جمله آنها بود. «در این راه‌ها بعضی جاها که اصلاً خلانداشتند توی کوچه‌ها، توی طویله، کاروانسراها بایست بنشینند، هر کجا پا می‌گذاری، نجس، کثیف...» (کرمانی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۷۵۵).

نبود بهداشت باعث می‌شد زائران در این راه بیمار شوند و از آنجا که بیمارستانی هم نه بین راه و نه در مکه وجود داشت، زائرانی جان خود را از دست می‌دادند؛ به طوری که در روزنامه ایران درباره ساخت بیمارستان در مکه برای حجاج چنین نوشته شده است:

چون در مکه معظمه - زاده‌ها الله شرفاً و تعظيماً - برای بیماران حجاج و زائران بیت الله الحرام مریضخانه نیست و مرضای حاج بدین واسطه دچار اشکالات و سختی‌ها می‌شوند، بلکه بسیاری از آنها تلف می‌کردند، جمعی از اهل خیر و مردمان نیک اندیش قصد کرده‌اند که بالشراکه مریضخانه بسیار خوبی در این بلده طیبه بنا کنند و جمیع اسباب و لوازم آن را در کمال امتیاز فراهم آورند و اطبای حاذق اجیر نمایند و بیماران حاج را مجاناً معالجه کرده و دوا و غذا دهند و پرستاری کنند؛ اما از آنجا که این بنای خیر و سایر لوازم آن مخارج زیاد لازم دارد و در بعضی از روزنامه‌ها اعلان نموده‌اند که هر کس بخواهد قلیلاً و کثیراً مشارکت در این کار نماید و وجهی به اندازه قدرت و استطاعت و همت خود به آن هیئت شراکت ارسال دارد، نظر به اعلانات مزبوره، ما نیز اعلان می‌نماییم که آن اهالی ممالک محروسه هر کس که طالب این کار خیر باشد و مبلغی و وجهی بخواهد مبذول دارد...» (روزنامه ایران، ص ۴).

### ج) بیماری و قرنطینه در راه‌های زمینی

در میان راه، برخی زائران بیمار قرنطینه می‌شدند که بازتاب آن در نشریات آن زمان هم آمده است؛ برای نمونه در روزنامه اسلامبول درباره قرنطینه چنین آمده است:

حکم شده بود که حجاج را که از مکه معظمه مراجعت می‌کنند چند روز در سرحدات در قرانتین نگاه بدارند و قرانتین<sup>۱</sup> مزبور را نزدیک به شهر دمشق قرار داده‌اند و سیاحان نیز که از مصر به آن سمت می‌آیند حکم شده است که در قرانتین بمانند» (روزنامه وقایع اتفاقیه، ص ۲).

همچنین در روزنامه ناصری از قرنطینه در مسیر حجاج و قدغن کردن روسیه از ورود حجاج به خاک این کشور نوشته شده است:

۱. قرنطینه.

در دولت روس به عابرین از خاک روسیه تذکره سفر مکه را نخواهد داد و به موجب آنچه اخیراً در روزنامه جات خوانده می‌شود، امسال از روسیه مسافرت بیت‌الله به کلی قدغن و موقوف گردیده است. بروفق آنچه جراید عثمانی از اداره حفظ‌الصحه مزبوره اعلان می‌شود، حجاجی که از اطراف خلیج فارس از ایران به زیارت بیت‌الله الحرام می‌روند و از دریا حرکت می‌نمایند، در کرانتین‌خانه<sup>۱</sup> بصره و قمران به کرانتین گذاشته می‌شوند و چنانچه اگر کسی احیاناً در نقاط مزبوره مدت کرانتین خود را به آخر نرساند و بدون اخذ تصدیق‌نامه به جده بیاید، قبول نگردیده و معاودتش می‌دهند (روزنامه ناصری، ص ۶).

بعضی حجاج طی با کشتی به وبا مبتلا می‌شدند و اگر در کشتی اثری از این بیماری می‌بود، می‌بایست ده روز کشتی را متوقف می‌کردند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ص ۷۵۸). سپس نه تنها در ساحل، بلکه در راه بصره به بغداد نیز حجاج بر حسب احتیاج قرنطینه می‌شدند. ایرانیانی هم که پس از حج از طریق بصره به عتبات عالیات عزیمت می‌کردند در ناصریه و زبیده در قرنطینه‌هایی نگهداری می‌شدند.

### ۳. بهداشت زنان زائر

در دوره قاجار زنان بیشتر برای زیارت به مشهد، عتبات عالیات و مکه می‌رفتند. بعضی از آنان به قدری علاقه مند به زیارت بودند که مهرشان را به شوهرشان می‌بخشیدند تا آنها را به کربلا ببرد (مونس الدوله، ۱۳۸۹، ص ۱۲۴). در چنین وضعیتی سفرنامه‌های زنان ایرانی آن دوره - که به دست ما رسیده است - اغلب به سفرنامه‌های زیارتی محدود می‌شد. گفتنی است بیماری، غربت، طولانی بودن مسیر و نبود امکانات بهداشتی تحمل سفر را برای زنان دشوارتر از

۱. محل قرنطینه.

دیگران می ساخت.

زنانی هم بودند که مسیر دریایی را برای این سفر معنوی انتخاب می کردند؛ برای نمونه علویه خانم کرمانی<sup>۱</sup> از راه بوشهر به بمبئی رفت و سپس راهی جدّه شد و از راه جبل به عتبات رفت و پس از زیارت به ایران بازگشت. به نظر می رسد کثیفی کشتی ها توجه زنان سفرنامه نویس را بیش از مردان سفرنامه نویس برانگیخته باشد؛ به ویژه مسیر دریایی بوشهر به جدّه که علویه خانم بارها از کثیفی کشتی های آن گلایه و آن را نجس اندر نجس معرفی، و از این وضعیت انتقاد کرده است: «الهی دین واجب را از گردن همه دوستان ادا کند، ولی از راه خشکی، نه از کشتی. هیچ چیز برای انسان باقی نمی گذارد؛ نه نماز، نه عبادت، نه غذای پاک؛ همه نجس اندر نجس. تا کسی نبیند، نمی فهمد» (کرمانی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۷۲۶). همچنین دختر فرهاد میرزا<sup>۲</sup> اشاره می کند:

خیلی عجیب است از این طایفه که «لا اله الا الله» می گویند و از نجاست هیچ احتیاط ندارند. در همان جایی که بول می کنند فوراً وضو به جامی آورند و با پای در همان مکان راه می روند. چیزهای غریب از آنها مشاهده می شود.

۱۶۷. «حاجیه خانم علویه کرمانی» احتمالاً مؤلف این سفرنامه است؛ اما ارائه اطلاعات بیشتر درباره او دشوار، و در محدوده این سفرنامه حتی یافتن نام او ناممکن است. او از خاندان اشرافی و از سادات بود. در سال ۱۳۰۹ قمری به حج رفت. مسیری که او و همراهانش از آن به حج رفتند از جهتی با دیگران متفاوت است. آنان از بندر عباس سوار کشتی شدند و به اجبار به بمبئی رفتند؛ چون در بندر عباس کشتی ای که مستقیم به جدّه برود در کار نبود. سپس با کشتی به سوی جدّه حرکت کردند. مسیر برگشت آنان نیز از جبل بوده است.
۲. عصمت السلطنه دختر فرهاد میرزا در ۱۲۹۷ قمری به حج رفت. او از راه خشکی عازم عتبات شد و از آنجا از راه جبل به مکه رسید. مسیر بازگشت او نیز از مدینه به سمت جدّه، و از آنجا با کشتی از راه دریا به بوشهر بود. او در ۱۳۰۵ قمری فوت کرد.

مبال را به قسمی ساخته‌اند که حکماً ترشح به آدم بخورد (عصمت السلطنه، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۳۸۰).

استحمام هم از نظر بهداشتی و هم در دستورهای اسلامی امری ضروری است که در سفر اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. زنان زائربه مکان‌های خاص و پوشیده‌ای برای استحمام نیاز داشتند و در سفر نمی‌توانستند هر جایی حمام کنند؛ ولی امکانات لازم در این زمینه وجود نداشت. برخی زائران وضعیت استحمام میان مردم را بسیار نامناسب توصیف کرده‌اند:

از روزی که از شهر بیرون آمدیم، فردا چهار ماه است بنده یک دفعه در بمبئی حمام رفتم؛ چند مرتبه هم در مدینه و مکه غسل کردم. دیگر ملاحظه کنید نجاست و کثافت چقدر است در مکه و مدینه. در این راه‌ها حمام که نیست. همان جایی که خلا هست دالونی ساختند. زمین و دیوارش ساروج است. عقب دالون خلاست. دو زرع یا یک زرع حوضی ساختند نزدیک دیوار که یک خیک آب می‌گیرد. آدم بایست برود آنجا سرو جانش را بشوید که آب برود توی خلا؛ منتها از خلا تا آنجا که آدم غسل می‌کند یا جانش را می‌شوید یک زرع فاصله است. در این صورت دل آدم می‌گیرد. من که برایم خیلی شاق و سخت بود (کرمانی، ۱۳۸۶، ص ۹۲).

دولت در سال قاجار تصمیم به ساخت و تعمیر حمام زنان در خانقین برای مبارزه با شیوع بیماری و استحمام زوار ایرانی گرفت (اتحادیه، ۱۳۹۲، ص ۸۶). زائران از کیفیت بد آب در بعضی منزلگاه‌ها شکایت داشتند: «آب اینجا شیرین بود؛ لیکن رنگ آب به مثل زعفران شده بود از کثرت داخل شدن کثافت شتران...» (عصمت السلطنه، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۳۵۶). در برخی راه‌ها نیز آب اندکی وجود داشت که سبب اذیت فراوان حجاج، به ویژه زنان، می‌شد. آنها روزهای متوالی اسیر بی‌هوشی، استفراغ و ناتوانی از خوردن بودند و باید با جان‌کندن این مسیر را طی

می‌کردند: «احوال‌ها منقلب گشته، به یک قسمی افتاده بودم؛ مثل آدم مدهوش بودم. تا غروب دوبار تهوع کرده، شب را هم بی‌قوت و غذا افتاده بودم... از خانم و کنیز، افتاده به حالت خراب...» (همان، ص ۳۸۳). وقارالدوله<sup>۱</sup> در سفرنامه خود اشاره کرده است که برای حمام حیران بوده که بعد خبر آوردند:

در کشتی یک حمام بی‌آب دارد. گفتم سماور آتش کردند، آب زیاد آوردند. رفتم حمام. آدم از پشت حمام آب به دست حاجیه خانم خراسانی می‌دادند. اورخت پوشیده، به سرمن آب می‌ریخت. یک سرتن گربه شوری کردم. یک ساعت از شب رفته، از حمام بیرون آمده، شکر خدا به جا آورد (وقارالدوله، ۱۳۸۹، ص ۸۲).

حجاج در طول سفر حج، به دلیل دسترسی نداشتن به آب شیرین و نبود پزشک حاذق در میان راه، بیمار می‌شدند و جان خود را از دست می‌دادند. گاه پیش می‌آمد که حجاج چند روز متوالی از آب و آذوقه محروم بودند و از شدت گرسنگی در میان راه بی‌هوش می‌شدند (ناشناس، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۷۴۴).

نبود پزشک در کاروان باعث می‌شد زنان با تجربیات فردی به درمان بپردازند: صبح برخاسته، عطش داشتم. قدری هندوانه خوردم که تب بروز کرده. پناه بر خدا! چه تب شدیدی! مثل آتش سوزان تا هفت شبانه‌روز بی‌هوش افتاده بودم. خدا عاقبت دختر آقا، که زن آقاسید احمد قزوینی است، به خیر کند که مثل حکیم بالای سر من نشست و همه نوع دوا و درمان کرد... (وقارالدوله، ۱۳۸۳، ص ۱۰۳).

۱. وقارالدوله، همسر ناصرالدین شاه، سه‌شنبه ۲۶ جمادی‌الاولی ۱۳۱۷ قمری عازم حج شد. مسیر سفر او از تهران به سمت قم، و از آنجا به سوی عراق، و سپس از بغداد به سمت شمال از کنار رودخانه فرات است. در نقطه‌ای او از فرات فاصله گرفت به سمت حلب، و از آنجا به اسکندرون، و با کشتی به جده رفت. او سفرنامه سکینه سلطان را نگاشت.

برخی زنان در زمان بارداری به سفر حج و عتبات عالیات مشرف می شدند و در طول مسیر زایمان می کردند. چنین سفرهایی، با توجه به نبود پزشک و کمبود امکانات، خطراتی مانند سقط جنین و مرگ مادر و فرزند حین زایمان را در برداشت. در چنین مواقعی زنان باردار به مراقبت بیشتری نیاز داشتند.

همچنین درگذشت زنان در سفر مشکلاتی از جمله کمبود غسل زنانه و هزینه زیاد کفن و دفن و کمبود امکانات را به همراه داشت. علویه خانم چگونگی کفن و دفن یکی از همراهان نزدیک خود در راه مکه به مدینه را چنین شرح می دهد:

میان بیابان، غریب، بی کس، نه آب نه آبادی. خدا پدر حاجی اسماعیل اصفهانی حمله دار را بیامرزد. زودی توی دامنه کوه چادر زدند و سه نفر غسل آوردند. بنده کاری که هرگز نکرده بودم، رفتم نشستم تا اینکه غسل دادم، کفن کردند. هر ساعت می گفتند: زود باشید که عرب حرامی می آید ما را می کشد. در هر حال بعد از غسل آوردیم پایین کوه، نزدیک چادر حاجی ها، شتری کشتند. نعش پیچیدند در پوست شتر. آمدیم توی چادر... (کرمانی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۳).

قرنطینه و مسائلی که حول این موضوع، به ویژه برای زنان، پیش می آمد یکی از مصادیق ظلم به زنان ایرانی و هتک حرمت آنان بود. کارگزاران ایرانی حاضر در مرزهای دولت عثمانی بارها این موضوع به مقامات دولتی قاجار گوشزد کردند. میرزا حسین خان مشیرالدوله در نامه خود به این قبیل رفتارهای نادرست و غیر اخلاقی مأموران عثمانی اشاره کرده است (معمد، ۱۳۳۶، ص ۶۸). افراد صاحب منصب را مدت کمتری قرنطینه می کردند: «هر کس از سمت حجاز و شام بیاید دوازده روز در قرانطین نگه می دارند. ناظری هم برای این کار معین است...؛ لیکن به جهت احترام حضرت مهدعلیا زیاده از چهار روز در بیره جیک ما را معطل نکردند» (حاجب الدوله، ۱۳۷۹، ص ۱۱۴).



برخی زنان زائر با وجود تحمل سختی‌های سفر هنگامی که به مقصد می‌رسیدند به دلیل بیماری نمی‌توانستند زیارت دل‌نشینی انجام دهند: «امروز احوالی نداشتم. تمام روز را خوابیده بودم. سردرد، تب، دل‌درد، همه‌امراض ظاهر شده. خدا به خیر بگذراند» (وقارالدوله، ۱۳۸۳، ص ۱۰۰). براساس خاطرات زنان زائر درمی‌یابیم مشکلات بهداشتی سفر زیارتی برای زنان بیشتر و متفاوت‌تر بود. امیرنظام قراگوزلو<sup>۱</sup> مبتلا شدن زنی به وبا و فوت کردنش بین راه را ذکر کرده است (قراگوزلو، ۱۳۸۲، ص ۸۷).

بیماری‌های واگیردار مانند وبا سبب شد از اواسط قرن نوزدهم بحث قرنطینه در مسیرهای حج مطرح شود. قرنطینه شدن برای زائران کابوسی به تمام معنا بود و سپری کردن ده روز در جزیره کامران با گرمای زیاد و شاهد مرگ و میر برخی بودن آنان را به شدت نگران می‌کرد. علویه خانم قرنطینه را به زندانِ بلا تشبیه کرده و از خداوند خواسته است زودتر آنان را از این زندان نجات دهد (کرمانی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۷۳۷). از عوامل مهم شیوع وبا در این دوره آب‌های آلوده بود؛ زیرا در سرزمین عثمانی آب بیشتر از طریق آب‌انبارها تأمین می‌شد و برخی از این آب‌انبارها در مسیر سیل قرار داشت و با لاشه‌های حیوان و کثافت‌هایی که سیل می‌آورد پر می‌شد. صاحبان این آب‌انبارها گاهی به نظافت این مکان نمی‌پرداختند و آشامیدن آب این آب‌انبارها باعث هر نوع مرضی می‌شد.

۱. قراگوزلو، از وزرای قاجار، در سال ۱۳۱۹ قمری از طریق انزلی به سمت استانبول، و از آنجا با کشتی به سمت جدّه رفت. یکی از جنبه‌های اهمیت این سفرنامه از آن روست که در این سفر شیخ فضل‌الله نوری هم همراه او بوده است. قراگوزلو در ۱۳۳۴ قمری فوت کرد.

## نتیجه‌گیری

زائران حج در دوره قاجاریه مسیرهای متفاوتی برای زیارت خانه خدا انتخاب می‌کردند. یکی از رایج‌ترین و بهترین راه‌ها به لحاظ امنیت راهی بود که به اجبار از دریا می‌گذشت. ناامن بودن راه‌های مسافرتی بیشتر زوار را مجبور می‌کرد که از راه‌های امن دریایی، مثل مسیر روسیه و عثمانی یا مسیر دریایی بوشهر به هندوستان - عربستان، سفر کنند. سفرنامه‌های زیارتی به جای مانده از این دوره نبود یا کمبود خدمات پزشکی و امکانات بهداشتی را به روشنی نشان می‌دهد. وضعیت بهداشت در این دوره به گونه‌ای نگران‌کننده بود که بسیاری از حجاج در طول سفر دچار بیماری‌های مختلفی می‌شدند و گاه جان سالم به در نمی‌بردند. این گزارش‌ها از شیوع انواع بیماری‌های واگیردار، مانند وبا و طاعون، خبر می‌دهد. یکی از معضلات بهداشتی نیز حمل جنازه‌ها از شهری به شهر دیگر بود. چنان‌که جنازه‌ها را به شهرهای متبرکه حرکت می‌دادند و کاروانی آن جنازه‌ها را حمل می‌کرد و این خود مشکلات بهداشتی و بیماری‌ای ایجاد می‌کرد. دولت سرانجام توانست با تدوین قانون قرنطینه و تشکیل مجلس حفظ الصحه از ادامه این سنت - که باعث شیوع بیماری در ایران و حتی کشورهای همسایه بود - جلوگیری کند.

## کتاب نامه

### کتاب ها

۱. آقاملک، حسین (۱۳۹۲)، سفرنامه مکه ۱۳۲۵ق، به کوشش رسول جعفریان، تهران، علم.
۲. اتحادیه، منصوره (۱۳۹۲)، وبای عالم گیر، تهران، نشر تاریخ ایران.
۳. افشار ارومی، میرزا عبدالحسین خان (۱۳۸۹)، سفرنامه مکه ۱۲۹۹ق: پنجاه سفرنامه حج قاجاری، به کوشش رسول جعفریان، ج ۴، تهران، علم.
۴. بادکوبه ای، عبدالرحیم (۱۳۹۲)، سفرنامه مکه، به کوشش رسول جعفریان، تهران، علم.
۵. بروجردی، محمدعلی بن میرزایضا (۱۳۷۶)، بزم غریب، به کوشش محمد مهدی معراجی، قم، میراث اسلامی ایران.
۶. جزایری، سیدفخرالدین (۱۳۸۹)، سفرنامه مکه، به کوشش رسول جعفریان، ج ۸، تهران، علم.
۷. حاجب الدوله، علی بن حسین (۱۳۷۹)، سفرنامه مکه، به کوشش سیدعلی قاضی عسکر، تهران، مشعر.
۸. حسام السلطنه (۱۳۸۹)، سفرنامه مکه: پنجاه سفرنامه حج قاجاری، به کوشش رسول جعفریان، ج ۴، تهران، علم.
۹. دوغان، اسرا (۱۳۹۷)، حجاج ایرانی در

دولت عثمانی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.

۱۰. رئیس الذاکرین (۱۳۸۹)، سفرنامه مکه: پنجاه سفرنامه حج قاجاری، به کوشش رسول جعفریان، ج ۷، تهران، علم.
۱۱. تکابی، سلیم خان (۱۳۸۸)، سفرنامه مکه: پنجاه سفرنامه حج قاجاری، به کوشش رسول جعفریان، قم، مورخ.
۱۲. طباطبایی دیبا، ناصرالسلطنه (۱۳۹۰)، سفرنامه ناصری، به کوشش رسول جعفریان، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۳. عصمت السلطنه (۱۳۸۹)، سفرنامه مکه: پنجاه سفرنامه حج قاجاری، به کوشش رسول جعفریان، ج ۴، تهران، علم.
۱۴. فراهانی، محمدحسین (۱۳۸۹)، سفرنامه مکه: پنجاه سفرنامه حج قاجاری، به کوشش رسول جعفریان، ج ۵، تهران، علم.
۱۵. قراگوزلو، عبدالله خان (۱۳۸۲)، سفرنامه مکه، به کوشش عنایت الله مجیدی، تهران، میراث مکتوب.
۱۶. کرمانی، علویه (۱۳۸۹)، روزنامه سفر حج و عتبات و دربار ناصری، به کوشش رسول جعفریان، ج ۵، تهران، مورخ.
۱۷. قاجار، محمدولی میرزا (۱۳۸۹)، سفرنامه مکه: پنجاه سفرنامه حج قاجاری، به کوشش رسول جعفریان، ج ۱، تهران، علم.